

من از دوران نوجوانی گاهی از بزرگترها می‌شنیدم که بعضی از کشورهای خارجی با دین ما مخالفند و می‌خواهند اسلام را از بین ببرند. در آن سن و سال من این حرف را درست باور نمی‌کردم و با خود می‌گفتم مثلاً انگلستان چه دشمنی با نماز و روزه من دارد؟! آن‌ها می‌خواهند از منابع ما استفاده کنند، از نفت ما استفاده کنند، طلا و مس و سایر معادن ما و بازار تجارت ما را می‌خواهند و می‌خواهند بر ما تسلط پیدا کنند تا منافع مادی‌شان را تأمین کنند؛ اما با دین ما چه کار دارند؟! برای من سخت بود که باور کنم کشورهای خارجی دشمن دین ما هستند. این شبیه برای من کم‌رنگ بود؛ تا اوائل شروع نهضت که امام رحمة الله هم بر این مسأله تکیه کردند؛ ایشان خیلی روی «اسلام» تکیه می‌کردند و دائماً می‌گفتند: اسلام در خطر است؛ من برای اسلام احساس خطر می‌کنم؛ این‌ها دشمنان اسلام هستند؛ این‌ها از اسلام سیلی خورده‌اند و صحبت‌هایی از این قبیل. من فرمایشات امام را جدی‌تر گرفتم چون می‌دانستم امام اهل گزافه‌گویی نیست و بی‌جهت حرف نمی‌زند. لذا این مسأله برای من جدی‌تر شد که آیا واقعاً ممکن است این‌ها دشمن دین ما باشند؟! وقتی این احتمال در ذهن تقویت شد که ممکن است این گفته صحیح باشد، آیات قرآن را بهتر می‌فهمیدم و بیشتر به آن توجه می‌کردم؛ بارها در قرآن خوانده بودم که «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» یا آیه دیگری که می‌فرماید: «وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا» اما با ذهنیت قبلی می‌گفتم: این امری عادی است؛ منظور این است که آن‌ها دلشان می‌خواهد شما تابع آن‌ها باشید؛ هم‌چنان که ما هم دلمان می‌خواهد یهود و نصاری مسلمان بشوند. با این آیه خیلی ساده برخورد می‌کردم. اما بعد از فرمایشات امام‌رضوان‌الله‌علیه و تأکیدات ایشان کمی حساس‌تر شدم که مسأله جدی‌تر است و واقعاً مبارزه با دین یک انگیزه اصیل است و تنها این نیست که هر کسی دلش بخواهد طرفداران خودش بیشتر شوند؛ هدف آن‌ها تنها استفاده از منابع مادی ما نیست. گر چه حقیقت این است که تحلیل این مسأله کار مشکلی است و روان‌شناسی اجتماعی پیشرفته‌ای لازم است که بتوان درست تحلیل کرد که چه‌طور می‌شود کسی با دین دیگری مخالف بشود؛ بررسی این مسأله که اصلاً دین شامل چه عناصری است؛ آیا فقط اعتقاد به خدا و ماوراء طبیعت است یا وسیع‌تر از آن است و احکام را هم شامل می‌شود؛ گرایش به دین چه انگیزه‌های روانی دارد، چه چیزی موجب تعصب در دین می‌شود و چه انگیزه‌ای باعث می‌شود که کسی بخواهد دین دیگری را از بین ببرد؛ در مرحله بعد این که چگونه این انگیزه در سطح اجتماع گسترش پیدا می‌کند تا جامعه‌ای بخواهد جامعه دیگری را در دین مغلوب کند. این مسأله بسیار پیچیده‌ای است که با یک فرمول ساده روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی نمی‌شود آن را تحلیل کرد؛ ولی مسأله قابل مطالعه و تحقیقی است. ممکن است عوامل و منافع مادی هم در این امر دخیل باشد؛ در واقع، عوامل گوناگونی می‌توانند در یک پدیده اجتماعی مؤثر باشند؛ هم‌چنان که در انقلاب ما عوامل مختلفی مؤثر بود. همه می‌دانیم نگرانی‌های مردم از ظلم‌ها و تبعیض‌ها در مخالفت با رژیم گذشته بی‌اثر نبود؛ عقب‌افتادگی‌های مادی، علمی و اقتصادی هم برای این که مردم را به مبارزه با رژیم وادار کند بی‌اثر نبود؛ اما ما معتقدیم عنصر اصلی را امام‌رضوان‌الله‌علیه کشف کرد، بر آن تأکید کرد و آن را تقویت کرد؛ و این عنصر دین بود. ما می‌توانیم از آموزه‌های دینی و آیات صریح قرآن برای تحلیل مسائل اجتماعی و حتی برای پیش‌بینی حوادث اجتماعی بهره بگیریم

پای درس علامه

آنها از اسلام سیلی خورده‌اند...



چون ممکن
است باز هم کسانی
به خاطر این که ما دین خاصی
داریم با ما به مبارزه برخیزند. هم چنان که
با توجه به قرائی که محققان ارائه کرده‌اند دشمنان
اسلام و به خصوص آمریکا، از اوائل پیروزی انقلاب در صدد بودند
که ببینند چه چیزی موجب شد محاسباتشان غلط از آب در بیاید. چون قطعاً
آن‌ها باور نمی‌کردند که رژیم شاه به این زودی ساقط شود و بعد از آن رژیمی
که در رأس آن فردی روحانی قرار گرفته در این کشور سر کار بیاید. آن‌ها نهضت
امام (رضوان الله علیه) را بازی بچه‌گانه‌ای تلقی می‌کردند؛ چند تا آخوند جمع شده‌اند
که سر و صدایی راه بیندازند و با آمریکا مبارزه کنند! ولی طولی نکشید که دیدند
باید این نظام را باور کنند. چون هر ترفندی به کار بردند، هر چه گفتند تا
سه ماه دیگر، تا شش ماه دیگر این رژیم ساقط می‌شود و از بین می‌رود،
دیدند خیر؛ روزبه‌روز ریشه‌اش قوی‌تر می‌شود؛ هیچ خطری هم آن را
تهدید نکرد؛ حتی جنگ هم فایده نکرد. لذا شاید هنوز یک سال از
پیروزی انقلاب نگذشته بود که دستگاه‌های آکادمیک و نهادهای
اطلاعاتی آمریکا سخت در صدد بر آمدند که این مسأله را
از نظر علمی و جامعه‌شناسی تحلیل کنند که چه عاملی
موجب شد ایران بتواند به چنین پیروزی‌ای دست پیدا
کند و تفاوت این انقلاب با انقلاب‌های دیگری که
به سرعت شکست خورد، چه بود؟
بیانات مرحوم علامه مصباح یزدی در در
بیستمین نشست عمومی انجمن فارغ
التحصیلان مؤسسه آموزشی و
پژوهشی امام خمینی (ره)،
۱۰ دی ۱۳۸۹